



The impact of Turkey's geopolitical actions in Iraq and Syria on reducing Iran's regional influence

ABSTRACT

ARTICLE INFO

Article Type

Research Article

Authors

1. Mohammad Mehdi Olej Alamoli.
2. Ribaz Ghorbani Nejad. *
3. Kiomars Yazdan Panah Doo.

1. PhD student in political geography, Department of Geography, Faculty of Humanities, Islamic Azad University, Science and Research Branch, Tehran, Iran.
2. Assistant Professor, Department of Geography, Faculty of Humanities, Islamic Azad University, Science and Research Branch, Tehran, Iran.
3. Associate Professor, Department of Political Geography, Faculty of Geography, University of Tehran, Tehran, Iran.

Correspondence:*

Address: Department of Geography, Faculty of Humanities, Islamic Azad University, Science and Research Branch, Tehran, Iran.

Email: rebazghorbani@gmail.com

Article History:

Received: 12.02.2022.

Accepted: 29.05.2022.

As an important country in West Asia, Turkey has an influential position on Iran's foreign policy, and considering the bilateral and trans-regional relations in the relations between the two countries, it can be very important from a geopolitical point of view. Developments in recent years in Turkey have been mainly related to the foreign policy of that country. Relations between Turkey and Iran have undergone many changes throughout history. The two countries are considered as powerful non-Arab countries in the region that have common geographical and cultural features and do not consider each other as an existential threat. In recent years, political differences between the two countries over Syria and sometimes Iraq have led to political disputes between them. This scientific study examines the impact of Turkey's geopolitical actions in Iraq and Syria on reducing Iran's regional influence. The research method is descriptive-analytical, it is descriptive because it describes Turkey's geopolitical actions in Iraq and Syria and is analytical. This is because it expresses the impact of these actions on reducing Iran's regional influence. The method of collecting information is library, based on the use of relevant letters, reports, information and valid data. The results show that although Turkey's geopolitical actions have caused conflicts between the two countries, the maturity of the two countries' diplomacy and some similarities have led to the stability of relations.

Keywords: Geopolitics, Regional Influence, Turkey, Iran.

تاثیر کنش‌های ژئوپلیتیکی ترکیه در عراق و سوریه بر کاهش نفوذ منطقه‌ای ایران

محمد مهدی اولج‌الاملی

دانشجوی دکتری جغرافیای سیاسی، گروه جغرافیا، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات تهران، ایران.

ریباز قربانی نژاد*

استادیار، گروه جغرافیا، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات تهران، ایران.

کیومرث یزدان پناه درو

دانشیار، گروه جغرافیای سیاسی، دانشکده جغرافیا، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

چکیده

ترکیه به‌عنوان کشوری مهم در غرب آسیا جایگاهی تاثیرگذار بر سیاست خارجی ایران دارد و توجه به مناسبات دو سطحی و فرامنطقه‌ای در روابط دو کشور، از نگاه ژئوپلیتیک می‌تواند بسیار حائز اهمیت باشد. تحولات سال‌های اخیر ترکیه عمده‌تاً مربوط به سیاست خارجی آن کشور بوده است. روابط ترکیه و ایران در طول تاریخ دستخوش تحولات زیادی شده است. این دو کشور، به‌عنوان کشورهای غیرعربی قدرتمند در منطقه محسوب می‌شوند که دارای ویژگی‌های جغرافیایی و فرهنگی مشترکی هستند و یکدیگر را به‌عنوان تهدید وجودی تلقی نمی‌کنند. در سال‌های اخیر، اختلاف نظر سیاسی دو کشور در مسائل سوریه و گاهی عراق موجب به وجود آمدن مناقشات سیاسی بین آن‌ها شده است. این پژوهش علمی به بررسی تاثیر کنش‌های ژئوپلیتیکی ترکیه در عراق و سوریه بر کاهش نفوذ منطقه‌ای ایران پرداخته است. روش تحقیق توصیفی-تحلیلی است، توصیفی است به این دلیل که به توصیف کنش‌های ژئوپلیتیکی ترکیه در عراق و سوریه می‌پردازد و تحلیلی است به این دلیل که تاثیر این کنش‌ها را بر کاهش نفوذ منطقه‌ای ایران بیان می‌کند. روش گردآوری اطلاعات آن کتابخانه‌ای، مبتنی بر بهره‌گیری از مکتوبات مرتبط، گزارشات، اطلاعات و داده‌های معتبر می‌باشد. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که اگرچه کنش‌های ژئوپلیتیکی ترکیه باعث ایجاد مناقشات بین دو کشور شده است اما پختگی دیپلماسی دو کشور و برخی هم‌سویی‌ها موجب پایداری روابط بوده است.

کلمات کلیدی: ژئوپلیتیک، نفوذ منطقه‌ای، ترکیه، ایران.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۱/۲۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۳/۰۸

نویسنده مسئول: rebazghorbani@gmail.com

مقدمه

ترکیه کشوری است که با توجه به اهمیت ژئوپلیتیکی و ژئواستراتژیکی خود از تاثیرگذاری ویژه‌ای در معادلات منطقه خاورمیانه برخوردار است. این کشور که تا قبل از جنگ جهانی اول قدرت حاکم بر منطقه بود امروزه با به قدرت رسیدن اسلام‌گرایان دنبال احیا نقش از دست رفته خود می‌باشد. این هدف به‌علاوه متغیرهای جهت دهنده به سیاست منطقه‌ای: پل آسیا به اروپا، عضویت در ناتو، پسا اسلام گرایی، حامی اخوان المسلمین، سیاست نوعثمانیسم و مسئله آب (متغیرهایی جغرافیایی، نظامی، ایدئولوژیکی، سیاسی و زیست محیطی) در شکل‌گیری سیاست منطقه‌ای این کشور تاثیر گذار خواهد بود. از طرفی، ترکیه کشوری است که سیاست خارجی‌اش در چارچوب منافع ملی تدوین و اجرا می‌شود. هر جا که منافع کشور به خطر بیافتد عذرخواهی می‌کند، مورد روسیه و هرجا که منفعت برایش ایجاب می‌کند به جهان اسلام پشت می‌کند، مورد اسرائیل همچنانکه با تل‌آویل رابطه استراتژیک دارد به مردم فلسطین هم توجه ویژه‌ای نشان می‌دهد. ترکیه اگر بخواهد به‌عنوان کشوری تاثیر گذار و قوی‌تر در منطقه حضور یابد، باید در داخل کشور با توجه به تحولات ساختاری صورت گرفته به یک اجماع بین احزاب سیاسی، مسلمانان و سکولارها، کردها و ترک‌ها دست یابد تا روند دموکراتیزاسیون عمیق‌تر گردد و جامعه مدنی قوی شکل گیرد. این مسئله حتماً با حمایت گسترده بین‌المللی همراه خواهد شد و آنکارا را در راستای اهداف منطقه‌ای موفق‌تر خواهد کرد. در واقع وجود یک جامعه منسجم با توجه به اینکه مرزهای جنوبی ترکیه تنش‌آلود است و امکان جنگ و درگیری در آن می‌باشد برسیاست منطقه‌ای آن تاثیر گذار خواهد بود. در مجموع دولتمردان حزب عدالت و توسعه در راستای سیاست نوعثمانیسم تلاش می‌کنند در آینده به یک محور مهم بین‌المللی تبدیل شوند تا قدرت چانه‌زنی و حضورشان در منطقه نسبت به دیگر قدرت‌ها افزایش یابد. مقاله حاضر برآن است تا تاثیر کنش‌های ژئوپلیتیکی ترکیه در عراق و سوریه بر کاهش نفوذ منطقه‌ای ایران را مورد بررسی قرار دهد.

پیشینه تحقیق

کوهکن و دیگر نویسندگان، در مقاله‌ای که در سال ۱۳۹۸ در فصلنامه پژوهش‌های روابط بین الملل منتشر شد به تبیین سیاست خارجی حزب عدالت و توسعه ترکیه براساس رویکرد نو واقع‌گرایی پرداخته‌اند. سوال اصلی این نوشتار عبارت است از اینکه سیاست خارجی ترکیه در زمان حزب عدالت و توسعه با کدام مدل نظری انطباق بیشتری دارد. بررسی‌های این مقاله نشان خواهد داد که با توجه به رفتارهای سیاسی ترکیه در عرصه بین‌المللی و منطقه‌ای در زمان حزب عدالت و توسعه، می‌توان نئورئالیسم را مناسب‌ترین چارچوب نظری برای مطالعه سیاست خارجی این کشور در نظر گرفت.

دهقان و دیگر نویسندگان در کتاب "نگاهی به روابط رو به رشد ایران و ترکیه در سال‌های اخیر" که در ۱۳۹۰ منتشر شده است به بررسی روابط سیاسی ایران و ترکیه می‌پردازد. در این پژوهش عنوان شده است که روابط دو کشور به سوی همکاری و همگرایی بیشتر حرکت نموده است که دلیل این همگرایی و همکاری نگاه ترکیه به شرق و نوع‌ثانی‌گرایی و منطقه‌گرایی و همچنین سرخوردگی ترکیه از عضویت در اتحادیه اروپا بوده است که موجب گردیده واقع‌گرایی در سیاست خارجی ترکیه بروز نماید.

محمدنژاد در پژوهشی به "بررسی رقابت ایران و ترکیه در تحولات خاورمیانه" پرداخته است. در این تحقیق به بررسی رقابت شکل گرفته بین ایران و ترکیه در تحولات جدید منطقه خاورمیانه اختصاص و به این نکته اشاره دارد عوامل و متغیرهای زیادی در این رقابت شکل گرفته نقش دارند که می‌توان به عوامل و انگیزه‌های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، ژئوپلیتیکی اشاره کرد.

پورطهماسی در ۱۳۹۳ به مطالعه تطبیقی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران و ترکیه در سوریه را مورد بررسی قرار داده است. مسئله این پژوهش، مطالعه تطبیقی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران و ترکیه در سوریه می‌باشد.

سوزون در مقاله‌ای با عنوان "تغییر پارادایمی در سیاست خارجی ترکیه گذار و چالش‌ها" به بررسی تصویر جدید سیاست خارجی ترکیه و استراتژی هنجاری‌اش که برگرفته از نظریه عمق استراتژیک داوداوغلو می‌باشد، می‌پردازد که شامل مواردی

از قبیل توازن بین امنیت و آزادی، مشکلات صفر با همسایگان و موارد دیگر است.

داود اوغلو در مقاله‌ای با عنوان "اصول سیاست خارجی ترکیه و ساختار سیاسی منطقه" به اصول سیاست خارجی حزب عدالت و توسعه نسبت به تحولات را روندی طبیعی می‌داند و عنوان می‌کند که ترکیه در سیاست منطقه‌ای خویش به دنبال نظم و صلح در منطقه است.

عهدی در سال ۱۳۹۵، بررسی تطبیقی میزان همگرایی مواضع احزاب عدالت و توسعه و جمهوری خلق ترکیه با سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران را مورد بررسی قرار داده است. یوسفی مقدم در پژوهشی به تحلیل "راهبرد حزب عدالت و توسعه در سیاست خارجی ترکیه" پرداخته است. این پژوهش با هدف مطالعه سیاست خارجی ترکیه از زمان قدرت‌گیری حزب عدالت و توسعه به رهبری رجب طیب اردوغان تاکنون انجام گرفته است.

اکبری مهر؛ در پژوهش خود که در سال ۱۳۹۱ منتشر شد به تأثیر اقتصاد بر همگرایی در روابط ایران و ترکیه پرداخته است.

بنیادهای نظری پژوهش

ژئوپلیتیک

ژئوپلیتیک، دانش رقابت و گسترش حوزه نفوذ حکومت‌ها و گروه‌های متشکل سیاسی است که درصدد کسب قدرت، تصرف ابزارها، اهرم‌ها و فرصت‌های جغرافیایی هستند که به آنها قدرت داده و امکان چیره شدن بر رقیب را می‌دهد. آنها برای تصرف فرصت‌ها و مقدرات، در مکان و فضای جغرافیایی به رقابت پرداخته و سعی می‌کنند نفوذ خود را در فضاهای جغرافیایی بیشتر توسعه داده و آنها را به قلمرو اعمال اراده خود بیفزایند و بر عکس، رقبا را از فضاهای مورد منازعه بیرون رانند. در واقع، تعریف علمی ژئوپلیتیک در قالب مفهوم ترکیبی قابل تبیین است که در آن سه عنصر اصلی؛ یعنی جغرافیا، قدرت و سیاست دارای خصلتی ذاتی باشند [۷]. این روابط و کنش‌ها تابعی از راهبرد و موقعیت ژئوپلیتیک دولت‌ها و نیز ساختار نظام ژئوپلیتیک جهانی است. از این‌رو، همبستگی و هماهنگی بالایی میان ژئوپلیتیک و الگوی رفتار سیاست خارجی دولت‌ها برقرار

۴ - نظم امنیت دسته جمعی: شامل نظم امنیتی چندجانبه‌ای که کشورها در مجموعه امنیتی منطقه‌ای تعقیب می‌کنند.
۵-نظم جامعه امنیتی تکثرگرا: در آن به خاطر به حداقل رسیدن امکان خشونت، ترتیبات امنیتی رسمی وجود ندارد. در چنین شرایطی معمولاً همگرایی گسترده‌ای در سطح منطقه‌ای وجود دارد.

برای قدرت منطقه‌ای بودن: ۱- یک کشور باید مدعی قدرت منطقه‌ای باشد. ۲- مورد شناسایی دیگر کشورهای منطقه قرار گیرد. ۳- مورد شناسایی سایر قدرت‌های منطقه‌ای قرار گیرد. ۴- مورد شناسایی قدرت‌های جهانی قرار گیرد. قدرت‌های منطقه‌ای لزوماً ممکن است همه معیارهای فوق را نداشته باشند یا به نحو دیگری به این معیارها پایبندی داشته باشند. کشوری ممکن است در یک منطقه قدرت منطقه‌ای باشد و در محیط جهانی هم قدرت میانه یا قدرت بزرگ باشد. بالعکس ممکن است کشوری قدرت جهانی باشد و در عین حال قدرت منطقه‌ای هم باشد [۲۵].

محیط شناسایی

ترکیه کشوری در غرب ایران است که دارای موقعیت ژئوپلیتیکی و جغرافیای مهمی است. بخشی از این کشور در اروپا و بخشی هم در فلات آناتولی در آسیا قرار گرفته است. ترکیه کشوری است تاریخی که هم از نظر تاریخ باستان و پیوستگی بر امپراطوری رم و شکل گرفتن رم شرقی در این سرزمین، از سوی دیگر این کشور از نظر تمدن اسلامی با توجه به شکل گیری امپراطوری عثمانی و جایگزین شدن آن با امپراطوری رم در جغرافیای جهان اسلام از اهمیت خاصی برخوردار است. موقعیت جغرافیایی ترکیه و تنگه‌هایی که در دریای اژه، مدیترانه و دریای سیاه در اختیار ترکیه می‌باشد، بر اهمیت این کشور می‌افزاید. قرارگرفتن در حد واسط خاورمیانه، شمال آفریقا و آسیای جنوب غربی، قفقاز و روسیه چنان جایگاهی برای این کشور فراهم ساخته است که مورد توجه جهانیان می‌باشد.

است و براساس آن، راهبردهای ژئوپلیتیکی طراحی و عملیاتی می‌شوند تا به ساختار روابط ژئوپلیتیکی جهت و معنا بخشد. در بسیاری از نظریه‌های ژئوپلیتیک، دولت‌ها به منظور تامین فضای حیاتی ناگزیر از قدرت‌یابی روزافزون از طریق نفوذ در دیگر قلمروها هستند [۲۰].

نفوذ و حوزه نفوذ

نفوذ رویکرد و مجموعه اقداماتی است که به منظور تامین کامل اهداف هر یک از انواع تهدید (سخت، نیمه سخت، نرم و مرکب) و جنگ به روشی سهل تر (از جنگ) و یا حداقل زمینه سازی تهدید، تسهیل و تسریع پیروزی در هریک از انواع جنگ طرح ریزی و اجرا می‌شود. حوزه عمل نفوذ سخت، افراد- نیمه سخت، سیستم‌ها - نرم، افکار و علائق خواص در هر سه بعد سیستم اجتماعی (سیاسی، اقتصادی و فرهنگی) است و حوزه‌های عمل نفوذ نوین هر سه مورد افراد، سیستم‌ها و افکار و محاسبات در هر سه بعد مذکور است [۳].

قدرت منطقه‌ای

قدرت منطقه‌ای اصطلاحی است که استفاده از آن در تجزیه و تحلیل‌های مربوط به امور بین الملل بسیار رایج است. این اصطلاح که بنیان نظری خاصی در ادبیات روابط بین الملل دارد، گویای نوعی خاص از تقسیم بندی دولت‌ها است که در آن قدرت ملی به مثابه معیار اصلی مورد توجه قرار می‌گیرد [۱۷]. وقتی قدرت‌های برتر در منطقه دخالت می‌کنند ظهور یکی از پنج نظم زیر محتمل به نظر می‌رسد.

۱-نظم هژمونیک: در این نظم، قدرت برتر منطقه به تنهایی نقش اصلی را ایفا کرده و روابط و مناسبات امنیتی منطقه‌ای را اداره می‌کند.

۲-نظم موازنه‌ای: در آن قدرت‌های مداخله گر، همدیگر را متوازن و متعادل می‌کنند.

۳-نظم کنسرتی: در آن، دو یا چند قدرت توافق می‌کنند در مورد حفظ نظم و امنیت منطقه با همدیگر همکاری و هماهنگی داشته باشند.

شکل ۱: موقعیت ژئوپلیتیک ترکیه



یکی از عمده‌ترین عوامل اثربخشی و اهمیت ترکیه برای قطب‌های قدرت جهانی محسوب شده و واگذاری نقش‌های مهم و کلیدی به این کشور در عرصه سیاسی و سرنوشت ساز، نحوه عمل این دولت در معادلات بین المللی محسوب می‌شود. پیروزی اسلام‌گرایان به‌ویژه حزب عدالت و توسعه سبب تحولی عظیم در نظام هویتی دولت ترکیه و بازتعریف مجدد نظام معنایی این کشور شده است. حزب اسلام‌گرای عدالت و توسعه با رویکرد رنسانس عثمانیایی، بازتولید مفهوم خلافت، بازگشت به جهان اسلام (خاورمیانه، قفقاز و آسیای مرکزی) و خروج از حاشیه و میانجی‌گری و موقعیت سرپلی در سیاست خارجی و سعی در ایجاد نظام ریاستی در داخل کشور جهت نیل به این اهداف، به‌طور کلی هویتی جدید را از خود بروز داد و الگوسازی نوین از هویت ترکیه را آغاز کرد [۱۳].

جغرافیای داخلی کشور ترکیه و وجود کوه‌های آرارات، تورس و آنتی تورس و آب شدن برف‌های آن‌ها در فصول گرم سال باعث جاری شدن رودخانه‌های مهمی می‌شود که این رودخانه‌ها منابع مهمی برای کشاورزی و همچنین جریان در کشورهای سوریه و عراق بوده است که به عاملی برای وابستگی این دو کشور به ترکیه تبدیل شده است و بر وزن ژئوپلیتیکی ترکیه افزوده است. ترکیه از نظر جغرافیای انسانی و عوامل ژئوپلیتیکی متغیر از اقوام و مذاهب گوناگون شکل گرفته است علاوه بر قوم غالب ترک، اکراد ۲۵ درصد از جمعیت این کشور را تشکیل می‌دهند که دارای دو مذهب شیعه علوی و سنی می‌باشند. علاوه بر اکراد، ترکمن‌ها و ارمنی‌ها نیز در ترکیه حضور دارند. ترکیه از معدود کشورهایی است که موقعیت ویژه ژئوپلیتیک آن موجب شده است که حداقل طی نیم قرن اخیر

جدول ۱: بازیگران ژئوپلیتیکی اثرگذار بر ترکیه

بازیگرانی که از منظر ژئوپلیتیکی تاثیرگذاری بیشتری بر ترکیه دارند	بازیگرانی که از منظر ژئوپلیتیکی تاثیرگذاری کمتری بر ترکیه دارند
ایالات متحده آمریکا	اتحادیه اروپا
کشورهای جنوب قفقاز	روسیه
منطقه دریای سیاه	دول خاورمیانه

منبع: [۶]

یافته‌های تحقیق

مداخله ترکیه در سوریه و عراق

عراق به دلیل شرایط ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک، جغرافیای آسیب پذیر، عدم ثبات سیاسی و روابط چالشی و پرتنش که در گذشته با همسایگان خود داشته است، به حوزه استراتژیک برای کشورهای همسایه به ویژه ایران و ترکیه تبدیل شده است. علاوه بر این وجود و حضور موثر کردها در منطقه شمال عراق به اهمیت این کشور نزد ترکیه افزوده است. از سوی دیگر، کردستان عراق در حوزه کشش و رانش سه حوزه فرهنگی و تمدنی، پارس، عرب و ترک قرار دارد. که این امر، اهمیت استراتژیک منازعه را برای سه کشور همسایه مشخص می‌کند. این دو کشور، اشتراک‌های تاریخی، فرهنگی، دینی و اجتماعی زیادی دارند. با این حال در سیاست منطقه‌ای، ترکیه و ایران در دو قطب مخالف عمل می‌کنند. به همین دلیل قطب شدگی منطقه‌ای را با محوریت ایران و ترکیه، در عراق و سوریه شاهد هستیم. در حالی که ترکیه به همراه عربستان و قطر، به دنبال حمایت از گروه‌های تکفیری و تروریستی و تغییر دولت‌ها در عراق و سوریه است، اما ایران پشتیبان این دولت‌ها و گروه‌های مقاومت است. رقابت امروز ترکیه و ایران تکرار یک بازی قدیمی در منطقه است؛ رقابت آبا و اجدادی میان بی‌زانس و پارس. اگر چه این دو کشور از امپراطوری به یک دولت-ملت تبدیل شده‌اند و به مدت ۲۰۰ سال توانسته‌اند صلح را بین خود حفظ کنند اما آنها همواره بر سر کشورهایی در منطقه رقابت داشته‌اند. تهران و آنکارا اکنون نیز همانند گذشته در یک نقطه تقابل قرار دارند و آن تنش‌های موجود در سوریه و عراق است. عدم توانایی ترکیه و ایران برای سازگار کردن منافع خود با یکدیگر به‌طور بالقوه باعث تضعیف و حتی عقب گرد روابط قوی آنها طی دو دهه گذشته بوده است اگر چه اقتصاد این دو کشور در هم تنیده شده است. چگونگی انتخاب‌های ایران و ترکیه برای تثبیت قدرت‌هایشان و اینکه آیا می‌توانند بر اختلافات خود فائق آیند بسیار حیاتی است و آینده خاورمیانه را رقم خواهد زد. مداخله ترکیه در عراق و سوریه عمدتاً پاسخی به این درک است که ایران به‌طور فزاینده حوزه نفوذ تاریخی خود را به ویژه در مناطق مهم و نزدیک مرزهای ترکیه (حلب و موصل) گسترش داده است. از سوی دیگر ارتش ترکیه و

معارضان سوری مورد حمایت این کشور در بعضی از مناطق سوریه پیشرفت‌هایی داشته‌اند و موفق شده داعش را از مناطق تحت کنترل خود در مرز ترکیه (جرابلس، الرای و دابق) به عقب برانند. اصطکاک و رقابت بین ترکیه و ایران و گروه‌های مورد حمایت آنها به‌طور هشدار دهنده‌ای افزایش یافته است و از سوی دیگر اعتماد میان دو طرف نیز کم و در وضعیت حداقلی است. تهران سیاست‌های جدید ترکیه را حاصل جاه طلبی‌های نئوعثمانیگری آنکارا در منطقه و تلاش برای تسلط بر کشورهای سنی منطقه می‌داند. آنچه که ترکیه در سوریه بعد از شروع جنگ داخلی انجام داد نه ماهیت حکومت این کشور در رقابت با ایران، بلکه ناشی از جاه طلبی این کشور بود. تهران همچنین آنکارا را به خاطر عدم جلوگیری از ورود تکفیری‌ها به خاک سوریه از طریق این کشور و حمایت‌های مالی و لجستیکی از آنها سرزنش می‌کند و مورد انتقاد قرار می‌دهد [۶].

بحران سوریه و تشدید رقابت ایران و ترکیه

بحران سوریه موضوعی است که آنکارا بیش از همه در مورد آن مردود بوده است و ترکیه را ناچار کرده تا در مورد بسیاری از فرضیات و سیاست‌های خود در مورد منطقه‌ای که در طول چند دهه گذشته شکل گرفته بودند، تجدیدنظر نماید. روابط دوجانبه سوریه و ترکیه داستانی در خور توجه دارد که از دشمنی دو کشور تا دوستی مستحکم ادامه پیدا کرده و اکنون به یک رویارویی جدی بازگشته است. حدود یک سال پس از شروع شورش‌ها در سوریه، در سال ۲۰۱۲ ناگهان ترکیه به یک بازیگر کلیدی در حمایت از تحولات سوریه تبدیل شد تا جایی که به سوی پشتیبانی‌های لجستیک و مالی مستقیم از گروه‌های مسلح و همچنین حمایت از برقراری منطقه پرواز ممنوع و دخالت نظامی در سوریه حرکت کرد. تحت این شرایط، ترکیه به سرعت به درک محدودیت‌های تاثیرگذاری منطقه‌ای خود و سیاست مشکل صفر با همسایگان دست پیدا کرد [۲۲]. با آنکه در مواضع رسمی ترکیه در قبال حکومت بشار اسد تحول مهمی مشاهده نمی‌شود، اما به نظر می‌رسد از شدت تنش‌ها کاسته شده باشد. در عین حال دو موضع مهم در روابط دو کشور آغاز عملیات موسوم به چشمه صلح توسط نیروهای نظامی ترکیه در شمال شرق سوریه و بحران ادلب بود. در خصوص انگیزه‌های

ترکیه در شروع عملیات چشمه صلح، ادعاهای متعددی وجود دارد؛ از آلرژری اردوغان و ترکیه نسبت به خودمختاری کردها تا مخفی کردن مشکلات داخلی در پس از بحران خارجی. به نظر می‌رسد دو عامل مسائل امنیتی و سرنوشت پناهندگان سوری نیز از مهم ترین عوامل می‌باشند. بی شک پ.ک.ک که ستون فقرات پ.ی.د را تشکیل می‌دهد و ناظران بین المللی هم بر هدایت آن از قنبدیل اذعان دارند، مشکل مهمی برای ترکیه است. قسمت اعظم سلاح‌های موجود در دستان پ.ک.ک منشا سوری داشتند و از طریق تونل‌های متعددی که در زیر مرزهای دو کشور حفر شده بودند، انتقال می‌یافتند که معبر اصلی تروریست‌ها شمال شرق سوریه بود. موضوع آوارگان سوری و اوضاع ضعیف اقتصادی ترکیه هم انتقادات متعددی را باعث شده بود. به هرحال عملیات چشمه صلح آغاز شد ولی با مداخله و وساطت روسیه و مخالفت‌های بین المللی و منطقه‌ای، ضمن توافق نامه‌هایی با روسیه و آمریکا متوقف شد. هدف اعلامی ترکیه، ایجاد منطقه امن و حائل به عمق ۳۰ کیلومتر و طول ۴۵۰ کیلومتر بود، اما حاصل کار تسلط ارتش ترکیه و نیروهای متحد این کشور بر قلمرویی حدود دو هزار کیلومترمربع و ۱۶۰ نقطه مسکونی است. از این منظر شاید ترکیه به اهداف پیش بینی شده نرسید ولی توانست در شمال سوریه جای پای قابل ملاحظه‌ای ایجاد کند و اعضای ی.پ.گ را به عرض‌های جنوبی تر براند، مناطقی مانند دیرالزور و رقه که اساسا عرب نشین اند و پ.ی.د نمی تواند در آنجاها جایگاهی کسب کند. به هرحال نگرانی‌های ترکیه از این منطقه تمام نشده و احتمالا بازگشت امریکایی‌ها به میادین نفتی سوریه و ارسال مجدد تسلیحات برای افراد مسلح نیروهای دموکراتیک سوریه، رایزنی‌های سران نیروهای دموکراتیک سوریه با برخی کشورهای منطقه از جمله عربستان برای ممانعت از پیش روی‌های آتی ترکیه صورت می‌گیرد. براساس توافقنامه سوچی، منطقه کاهش تنش به ضمانت ترکیه و روسیه در منطقه ادلب به وجود آمد. از همان زمان توافق نامه دشواری‌های مسئله آشکار بود؛ زیرا اولاً گروه‌های رادیکال و تروریستی بین المللی در منطقه وجود داشت که ترکیه نمی‌توانست آنها را تحت کنترل درآورد و حتی برخی از این گروه‌ها میانه خوبی با ترکیه ندارند. ثانیاً تعدد و کثرت گروه‌های مسلح و تمایل ارتش سوریه

و متحدان آن به پیش روی، بالاخص پس از سقوط داعش، اوضاع را شکننده‌تر می‌کرد. نزدیک‌تر شدن مواضع ترکیه و حکومت اسد در خصوص سرنوشت شمال شرق سوریه امری آشکار بود. با آنکه حکومت اسد حملات ترکیه را محکوم کرد و خواستار مقاومت در برابر آن شد، اما بعدها که نیروهای کرد و مذاکره کنندگان دولت دمشق نتوانستند به راه حل‌های قابل قبولی برسند، حکومت اسد از نیروهای دموکراتیک سوریه با ادبیات مشابه به لحن ترکیه یاد کرد و خواستار واگذاری مناطق تحت اختیار گروه به دولت دمشق شد. در بحران ادلب نیز ابتدا تنش اوج گرفت اما در آستانه مذاکرات پوتین و اردوغان در مسکو، بشار اسد اظهار داشت خصومتی بین ترکیه و سوریه نبوده و منافع و علائق مشترک تنش‌های فعلی را غیرمنطقی می‌کند. در مقابل رویکرد ترکیه که در راستای تغییر وضع موجود در سوریه بود، جمهوری اسلامی ایران نیز ضمن اینکه بحران سوریه را توطئه‌ای از پیش طراحی شده برای حذف سوریه از محور مقاومت تلقی می‌کرد، در منازعه سوریه رویکرد حفظ وضع موجود را کرد. مقامات جمهوری اسلامی ایران که تغییر وضع موجود در سوریه را هم تضعیف محور مذکور و هم مغایر با اهداف جمهوری اسلامی ایران می‌دانستند، بنابراین با اتخاذ رویکرد حفظ وضع موجود در منازعه سوریه، تمام تلاش خود را به کار بستند تا مانع از تضعیف محور مقاومت، کاهش نفوذ منطقه‌ای خود، تغییر توازن قوای منطقه‌ای به نفع کشورهایی چون ترکیه، عربستان و رژیم صهیونیستی شوند و از تضعیف امنیت نظامی خود که رابطه مستقیمی با عمق راهبردی‌اش در منطقه شامات دارد جلوگیری کنند [۲۱]. در واقع جمهوری اسلامی ایران که سیاست‌های توسعه طلبانه ترکیه را تهدیدی علیه منافع ایران در منطقه و به‌ویژه عراق و سوریه می‌دید، سعی کرد از طریق ائتلاف با روسیه و ایفای نقش فعال‌تر در بحران سوریه و عراق، به موازنه با ترکیه بپردازد [۲۲].

ماهیت غیراستراتژیک رقابت ایران و ترکیه در بحران سوریه

ملاحظات و انگیزه‌های ژئوپلیتیکی: کشورهایی که در سطح منطقه قرار دارند، کنش‌های ژئوپلیتیکی را در یک منطقه شکل

می‌دهند. زمانی منطقه‌ای اهمیت ژئوپلیتیکی بسیار بالایی داشته باشد و به ویژه اینکه وجود یک منطقه و یا کشور در افزایش و یا کاهش قدرت ملی کشور و یا کشورهای دیگر نقش بسزایی داشته باشد، در نتیجه نوع خاصی از کشمکش و منازعه بر سر کنترل و نفوذ بین این بازیگران شکل می‌گیرد [۸]. براساس این، هر کدام سعی می‌کنند تا با تنظیم راهبرد ملی مناسب نفوذ خود را در این فضای جغرافیایی توسعه دهند و با نفوذ و کنترل خود بر این مناطق، رقبا را از فضای مورد نظر بیرون برانند [۹]. بررسی‌ها نشان می‌دهد که بین ایران و ترکیه یک کنش ژئوپلیتیکی در منطقه حساس خاورمیانه و به ویژه سوریه و عراق شکل گرفته است. موقعیت ژئوپلیتیکی سوریه و اهمیت آن در سطح منطقه و جهان و نقش آن در تعیین موازنه قوای منطقه‌ای، عامل بسیار مهمی بود که دو کشور را به رقابت عمیقی بر سر حفظ و کنترل سوریه در محورهای خود (ایران محور مقاومت) و ترکیه (نظم اخوانی) کشاند. همچنین می‌توان گفت که ایران و ترکیه در چارچوب قدرت‌های نوظهور که منطقه‌گرایی نقش بسیار مهمی در رویکرد این قدرت‌ها دارد، در سوریه یک منازعه ژئوپلیتیکی را شکل داده اند. سیاست مداران نوعثمان گرا، سوریه را ابزار مناسبی برای اجرای به صفر رساندن مشکلات با همسایگان می‌دانستند. برای مقامات دولت حزب عدالت و توسعه، سوریه دروازه ورود به کشورهای عربی خاورمیانه محسوب می‌شود و بر این اعتقاد بودند که گسترش روابط با این کشور می‌تواند زمینه‌های نفوذ فرهنگی، سیاسی و دسترسی به بازار بزرگ اقتصادی سوریه و در نهایت خاورمیانه برای ترکیه به ارمغان آورد. رهبران سوریه نیز به این ذهنیت مثبت ترک‌های عثمانی چراغ سبز نشان داده بودند و در این زمینه همکاری‌های گسترده‌ای نیز با ترکیه داشتند [۲۵]. اما با وقوع ناآرامی‌های سوریه، مقامات ترک که نظم منطقه‌ای مورد نظر را در مخاطره یافتند به ویژه اینکه این بحران در همسایگی ترکیه اتفاق افتاده بود رسیدن به رهبری منطقه‌ای را ابتدا در حذف بشار اسد از قدرت یافتند. براین اساس مقامات ترک احساس می‌کردند که اگر با اعمال فشار بر حکومت سوریه بتوانند رژیم علوی حاکم بر سوریه را ساقط کنند و به جای آن رژیمی همگرا با خود را بر سر کار آورند هم می‌توانند مشکلات امنیتی که با سوریه دارند و به ویژه مسئله کردها و آب را حل

کنند و هم اینکه دکنترین نوعثمانی خود را نیز عملیاتی کرده‌اند. بنابراین با توجه به موارد فوق مقامات حزب عدالت و توسعه از طریق سقوط رژیم بشاراسد، می‌خواهند هم مشکلات قومی و مرزی را با این کشور حل کنند و از این دغدغه امنیتی خلاصی یابند و هم این که با ایجاد مدل مطلوب حکومتی خود در سوریه، مسئله کردها را حل و سوریه را به یک متحد و دوست استراتژیک در معادلات منطقه‌ای تبدیل کنند. در مقابل برای جمهوری اسلامی ایران نیز سوریه گذشته از این که قلب تپنده جهان عرب و یکی از معدود کشورهای عربی مخالف رژیم صهیونیستی محسوب می‌شود، به‌عنوان کشوری که پس از پیروزی انقلاب اسلامی به‌عنوان متحد راهبردی ایران در منطقه درآمده نیز نگریسته شود. به همین خاطر سقوط رژیم اسد را نه تنها به منزله کاهش اهمیت ژئوپلیتیکی و ژئواستراتژیکی خود در خاورمیانه شرقی می‌داند، بلکه این سقوط را به منزله حذف و پایان تنها مسیر دسترسی خود به حزب الله و حماس که به‌عنوان بازوان دکنترین راهبردی ایران در منطقه برای بازدارندگی رژیم صهیونیستی عمل می‌کنند، نیز محسوب می‌کند. با توجه به اینکه تغییر وضع موجود در سوریه برای امنیت نظامی ایران بیشترین تاثیر را خواهد داشت [۲۱]. از این رو جمهوری اسلامی ایران مرتب رفتار و حرکات بازیگران منطقه‌ای و فرماندهی در بحران سوریه را رصد و به هیچ عنوان نمی‌خواهد نیرویی در سوریه سرکار بیاید که متحد و نزدیک ایران نباشد و یا به دنبال قطع و یا کاهش این رابطه برآید. از سوی دیگر با توجه به نقشی که سوریه در محور مقاومت دارد، بنابراین هرگونه تغییر در وضع موجود در سوریه، تضعیف گفتمان مقاومت را در سطح منطقه و در قبال تقویت گفتمان‌های رقیب یعنی محور سازش به رهبری عربستان و ترکیه را به دنبال خواهد داشت. ترکیه و ایران به‌عنوان دو قدرت میانی در حال ظهور در کنار حضور سنتی امریکا و سوریه، جهت کسب نفوذ بیشتر در منطقه با هم به رقابت پرداخته‌اند. در این میان سوریه با توجه به اهمیت ژئوپلیتیکی که برای دو کشور و در ظهور منطقه‌گرایی جدید داشت، به منازعه ژئوپلیتیکی دو کشور تبدیل شده است. ملاحظات و انگیزه‌های ژئواکونومیک: بسیاری از کارشناسان و تحلیل گران مسائل ژئوپلیتیک یکی از دلایل رقابت ترکیه با ایران در بحران سوریه

-وسعت منطقه عملیاتی موسوم به شرق فرات که هدف تعیین شده برای عملیات نظامی ترکیه است؛ بین ۵۵۰ تا ۶۰۰ کیلومتر که دو برابر مناطق عملیاتی قبل است.

-مسئله کنترل مناطق شمال سوریه و تعهدات انسانی ترکیه در این زمینه و نیز بازگشت آوارگان مستقر در خاک ترکیه به سوریه [۱۹].

اهداف ترکیه از انجام عملیات نظامی در شمال سوریه

مبارزه با تروریسم؛ با توجه به ماهیت نظام سیاسی و دولت ترکیه که اقتصادمحور و دارای پیوستگی زیاد با جهان خارج است، فعالیت‌های تروریستی در داخل و اطراف مرزهای ترکیه بسیاری از برنامه‌های این کشور را اتر می‌گذارد؛ از این رو، جمهوری ترکیه که از دیرباز با شعار صلح در جهان و صلح در میهن آتاترک خود را معرفی کرده است، در شرایط آشوب منطقه‌ای و فعالیت گروه‌های شبه نظامی در اکثر حوزه‌ها متضرر می‌شود؛ بنابراین، یکی از اهداف ترکیه از بین بردن خطر گروه‌های مختلفی مانند: داعش، پکک و ی‌پگ در اطراف مرزهای خود است.

امنیت ملی و امنیت مرزها؛ نگرانی مهم ترکیه از فعالیت گروه‌های مسلح کردی، ناامنی در مرزهایش با سوریه و عراق و سرایت این ناامنی به داخل خاک ترکیه است که از سال ۱۹۸۴ تاکنون زبان‌های مالی و انسانی زیادی را بر این کشور وارد ساخته است.

نگرانی از تغییر جغرافیای سیاسی خاورمیانه؛ در بین نخبگان ترکیه، از مدت‌ها پیش به‌ویژه بعد از تحولات موسوم به بهار عربی، این تهدید القا می‌شود که غرب به دنبال اجرای دوباره مفاد موافقتنامه سایکس-پیکوست و در این راه سعی دارد هرکدام از کشورهای مهم خاورمیانه، مانند: ترکیه، سوریه، عراق، ایران و حتی عربستان سعودی و مصر را به چند کشور کوچک‌تر مبتنی بر ویژگی‌های قومی و مذهبی تجزیه نماید؛ بر همین اساس، آنها تهدید شکل‌گیری موجودیت مستقل کردی در کشورهای عراق و سوریه و متعاقب آن، کریدور کردی را مطرح می‌کردند که یکی از دلایل اصلی عملیات نظامی ترکیه در شمال سوریه همین موضوع است؛ زیرا از نگاه ترک‌ها، آنکارا در زمان اشغال عراق، براساس اعتمادی که به آمریکا و

را نقشی می‌دانند که انرژی در این قضیه بازی می‌کند. بر این اساس اذعان دارند که یک مناقشه ژئوپلیتیک-استراتژیک در خصوص منابع طبیعی به همراه مذهب و پول در بحران سوریه شکل گرفته است که یک طرف آن قطر به همراه ترکیه و عربستان قرار دارند و در طرف دیگر ایران و روسیه. مقامات ترکیه و به ویژه سیاستمداران حزب عدالت و توسعه با این دیدگاه که از منظر ژئوپلیتیک ترکیه هیچ گاه نباید فرصت ایجاد سیستم حمل و نقل و ترانزیت انرژی را از دست بدهد، با نقش آفرینی بازیگران منطقه‌ای از جمله ایران و روسیه در بحران سوریه، آن را مانعی جدی در راه سرمایه‌گذاری‌های صورت گرفته از دهه ۱۹۹۰ میلادی و همچنین تبدیل شدن این کشور به درگاه انرژی منطقه می‌بینند [۲۹].

ملاحظات و انگیزه‌های سیاسی؛ هر چند برخی از پژوهشگران معتقدند که پس از فروپاشی امپراتوری عثمانی و امپراتوری ایران با ایجاد دولت‌های مدرن در دو کشور و تمایلات غرب گرایانه آنان عضویت آنها در اردوگاه غرب و دکترین مبارزه با کمونیسم و سد نفوذ، رقابت در راستای تبدیل شدن به قدرت منطقه‌ای بین دو کشور نیز کمرنگ شده بود، اما برخی دیگر براین باورند که میان ایران و ترکیه از مدت‌ها قبل در تبدیل شدن به قدرت منطقه‌ای رقابت وجود داشته است. به‌طوری که دو قدرت منطقه‌ای در طول سال‌های قرن پانزدهم تا بیستم در قابل سلاطین عثمانی و پادشاهی برای به دست گرفتن استیلا یا هژمونی منطقه‌ای همواره با یکدیگر در چالش و درگیری بوده‌اند و هر کدام سعی داشتن نقش هژمونیک خود را به این کشورها بقبولانند و با همراه کردن آنها با سیاست‌های خود، ساخت منطقه نوین مورد نظر خود را تحقق بخشند [۲۸].

مسائل ترکیه درباره شمال سوریه

-عکس‌العمل گروه‌های شبه‌نظامی کرد سوریه (پی‌دی/ی‌پگ/پکک) که بعد از تصمیم آمریکا در حال رایزنی برای به‌دست آوردن حمایت بازیگران مختلف نظیر: اتحادیه اروپا، دولت سوریه و روسیه هستند.

-رفتار سایر بازیگران حاضر در عرصه میدانی سوریه، مانند: روسیه، دولت سوریه، ایران و فرانسه.

هم‌پیمانش داشت در شمال عراق دخالت نکرد و اکنون با حکومت دو فاکتوری کردی در شمال عراق روبه‌رو شده است و براین‌اساس نمی‌خواهد تجربه عراق را در سوریه تکرار کند. البته ترکیه با انجام عملیات‌های سپر فرات و شاخه زیتون در جرابلس، الباب و عفرین و نیز مداخله هماهنگ با روسیه در ادلب، بخش غربی و منتهی به دریای مدیترانه این کریدور را از کار انداخته است؛ ولی بخش شرق فرات که به کردستان عراق منتهی می‌شود، هنوز تهدید مهمی است.

شمال سوریه، دروازه زمینی گشایش ترکیه به سمت جهان اسلام: کنترل مرزهای جنوبی ترکیه به‌ویژه مرز با سوریه توسط گروه‌های کردی مانع بزرگی بر سر راه ارتباط زمینی ترکیه با خاورمیانه و شمال آفریقا خواهد بود و روابط اقتصادی ترکیه با کشورهایی نظیر: سوریه، اردن، فلسطین اشغالی و کشورهای شمال آفریقا که اهمیت روزافزونی در مناسبات خارجی ترکیه دارند ایجاد خواهد کرد و سبب انزوای نسبی ترکیه در منطقه خواهد شد [۱۹].

سناریوهای احتمالی ترکیه در سوریه

تشکیل منطقه امن در شمال سوریه: این منطقه که به عرض حدود سی کیلومتر و طول سراسر نواحی مرزی با ترکیه در شمال سوریه را دربرمی‌گیرد، مطلوب‌ترین سناریو از نگاه ترک‌ها محسوب می‌شود. هدف اعلامی ترکیه از ایجاد این مناطق، جلوگیری از نفوذ شبه نظامیان پ‌ک‌ک و سایر گروه‌های کردی مرتبط با آنها به داخل ترکیه و پیشگیری از حملات احتمالی این عوامل از خاک سوریه است. در این منطقه، ابتدا ارتش ترکیه و نظامیان موسوم به ارتش آزاد سوریه مستقر خواهند شد و پس از برقراری آرامش در سوریه، بخشی از آوارگان سوری مقیم ترکیه به این مناطق منتقل و در کنار مردم این منطقه اسکان داده خواهند شد. دولت ترکیه این مناطق را به‌عنوان حوزه نفوذ مستقیم خود تلقی خواهد کرد و در آینده، ضمن واگذاری اداره و تامین امنیت این مناطق به خود سوری‌ها سعی خواهد کرد نفوذ نرم خود را (به شکل اداره محلی و ساختارهای اقتصادی و غیره) در این مناطق ادامه دهد و این مناطق اصلی‌ترین جای پای ترک‌ها در سوریه محسوب خواهند شد [۱۲].

برقراری منطقه پرواز ممنوع در شمال سوریه: سناریوی منطقه پرواز ممنوع در شمال سوریه مدنظر آمریکایی‌ها است و آنها می‌خواهند مدلی مانند اقلیم کردستان عراق را در شمال سوریه ایجاد کنند که هرچند در این مدل باز دغدغه‌های امنیت مرزهای ترکیه تاحدودی تامین خواهد شد، خطر بزرگ‌تری امنیت ملی و یکپارچگی سرزمینی ترکیه و سوریه را تهدید خواهد کرد که آن‌هم تشکیل حکومت محلی کردی در شمال سوریه است و با توجه به اخطارهای برخی مقامات ترکیه بعید است که این سناریو محقق شود.

سایر اشکال مداخله نظامی ترکیه در شمال سوریه: در صورتی که هیچ‌کدام از دو سناریوی گفته شده عملی نگردد، ارتش ترکیه (چه آمریکایی‌ها، سوریه را ترک کنند و چه در آنجا باقی بمانند) در شرق فرات در داخل خاک سوریه عملیات نظامی خواهند کرد؛ ولی وسعت و شدت این اقدامات را واقعیت‌ها و الزامات میدانی از یک سو و توافقات پشت میزهای مذاکره ترکیه با سایر بازیگران از جمله آمریکا و روسیه تعیین خواهد کرد [۱۹].

روابط ترکیه با عراق

نگاه از بالا به پایین ترکیه نسبت به کشورهای استقلال یافته از امپراتوری عثمانی باعث شده است تا این کشور بعد از اتخاذ سیاست «نوعثمانی‌گری» به دنبال روابط اقتصادی و سیاسی گسترده‌ای با این کشورها باشد. کشور عراق به خاطر موقعیت جغرافیایی و شرایط سیاسی بعد از سقوط صدام، بهترین گزینه است که ترکیه در صورت تسلط اقتصادی بر آن نه تنها اهداف اقتصادی خود را دنبال خواهد کرد، بلکه به‌عنوان یک اهرم سیاسی و امنیتی در تصمیم‌گیری‌های آینده غرب آسیا نیز می‌تواند از آن استفاده کند. فعالیت‌های اقتصادی ترکیه در عراق علاوه بر ماهیت مادی و اقتصادی، طیفی از اهداف و منافع سیاسی و امنیتی را نیز به همراه دارد. در حوزه اقتصادی دو موضوع تجارت و وابستگی ترکیه به انرژی عراق از اهمیت بسزایی برخوردار هستند و می‌توان آن‌ها را اولویت اهداف اقتصادی ترکیه در عراق دانست. به لحاظ سیاسی و امنیتی نیز تداوم سیاست‌های نوعثمانی‌گری و نفوذ بر دولت‌های غرب آسیا، نزدیکی و همکاری با گروه‌ها و جریان‌ات اهل سنت در

عراق و کنترل گروه‌های تجزیه‌طلب کرد همراه با برقراری روابط اقتصادی با اقلیم کردستان عراق، اهمیت زیادی برای ترک‌ها دارد.

به‌طور خلاصه می‌توان اهداف اقتصادی این کشور را بدین شرح بیان کرد:

- ممانعت از ترانزیت انرژی از ایران به عراق و سوریه و درنهایت به اروپا.

- تبدیل‌شدن به مجرای اصلی انرژی از خاورمیانه به اروپا.

- گشودن کریدور میان جنوب ترکیه و شمال اردن و عربستان برای انتقال کالاهای ترکیه یا اروپایی از «بسفر» به کشورهای مصرف‌کننده حوزه خلیج فارس.

به‌طورکلی در خصوص اهداف ترکیه در عراق می‌توان گفت: «دولت اسلام‌گرای ترکیه مشتاق به احیای نقش تاریخی خود به‌عنوان قدرت اصلی منطقه است که می‌توان آن را احیای مجدد سیاست‌های عصر عثمانی قلمداد کرد. خروج نیروهای نظامی آمریکا از عراق این فرصت را در اختیار ترکیه قرارداد تا نفوذ خود را در عراق افزایش دهد [۵]. در مجموع اهداف سیاسی نفوذ اقتصادی ترکیه در عراق را می‌توان اینگونه برشمرد:

- ایجاد فشار بر دولت مرکزی عراق از طریق حمایت از برخی طیف‌ها در استان نینوا و کرکوک و اقلیم کردستان عراق؛ - تلاش برای قطع ارتباط میان اقلیم کردستان عراق و مناطق کردنشین در سوریه که تمامیت ارضی ترکیه را تهدید می‌کند؛ - کشاندن رهبران اقلیم کردستان عراق به سمت آنکارا؛ - همسویی با برخی کشورهای ضد حشدالشعبی و محور مقاومت در عراق و سوریه [۱۵].

تجزیه و تحلیل

ریشه‌های واگرایی ترکیه و ایران در بحران سوریه به اختلاف نظر آنها بر سر دو موضوع اصلی برمی‌گردد. اولین موضوع سرنوشت بشاراسد بود. از نقطه نظر ایرانی‌ها، بشاراسد رئیس جمهور مشروع سوریه بود و هیچ کشوری حق دخالت در امور داخلی آن کشور را ندارد. برخلاف ایران، ترکیه ادعا می‌کرد اسد مشروعیت خود را به خاطر خشونت علیه مردم خود از دست داده بود. دومین مسئله این بود که ایران مخالفان اسد را

گروه‌های افراطی و تروریسم تلقی می‌کرد که به‌عنوان بخشی از توطئه‌ای که توسط ایالات متحده و اسرائیل ایجاد شده بود، به این کشور نفوذ کرده بودند از مبارزات اسد علیه مخالفان پشتیبانی نمود. ترکیه از گروه‌های مخالف سوریه پشتیبانی کرد و سازمان شورای ملی سوریه را سازماندهی نمود و به تسلیح ارتش آزاد سوریه کمک کرد. ایران از مواضع ترکیه انتقاد کرد و معتقد بود که این امر منافع کشورهای غربی را تأمین خواهد کرد. سیاست‌های حمایتی ترکیه از گروه‌های مخالف و اجازه دادن به مبارزان خارجی برای عبور جهت ملحق شدن به ارتش مشترک سوریه آزاد بعداً به دلیل ظهور برخی گروه‌های افراطی مانند داعش برای آنکارا مشکل ساز شد. از دیدگاه ترکیه برکناری اسد از قدرت به‌عنوان یک خط قرمز برای ایران در نظر گرفته می‌شود و می‌تواند قدرت منطقه‌ای را تضعیف نماید. سوریه و ایران منافع مشترک ژئوپلیتیکی بسیاری با یکدیگر دارند از مخالفت با صدام حسین گرفته بود تا ایستادگی در برابر رژیم صهیونیستی و نفوذ آمریکا در خاورمیانه. هر دو کشور از حزب الله که یک بازیگر سیاسی قدرتمند در منطقه است حمایت می‌کنند. در واقع سوریه تحت حاکمیت اسد یک بازیگر کلیدی در محور مقاومت علیه رژیم صهیونیستی محسوب می‌شود و خط مقدم ایران در مبارزه علیه آمریکا تلقی می‌گردد. با تصور سقوط اسد و سوریه بعد از اسد اگر توسط اکثریت سنی اداره می‌شد می‌توانست سوریه را به گروه کشورهایی در منطقه سوق دهد که به دنبال ایجاد یک ائتلاف ضد ایرانی بودند تا ایران را در منطقه منزوی نماید. علاوه بر این ترکیه نگران سازماندهی و بسیج مبارزان ایرانی و شیعی از سایر کشورها برای مبارزه در سوریه است و ایران را به خاطر ایجاد فرقه گرای در سوریه و طولانی شدن درگیری مورد انتقاد قرار می‌دادند. علاوه بر این روابط ایران با حزب دموکراتیک شاخه سوری پ.ک.ک نگرانی زیادی را برای ترکیه ایجاد نمود. استعفای احمد داوودوگلو از نخست وزیری ترکیه در سال ۲۰۱۶ بیانگر آن بود که ترکیه برای مقابله با آشفتگی‌های منطقه‌ای به ویژه مسئله سوریه راه اشتباهی را در پیش گرفت. در واقع حمایت آمریکا از کردهای سوریه (PYD)، حمایت ایران و روسیه از اسد و عقب نشینی کشورهای عربی مانند عربستان در منطقه از مواضع قبلی خود نسبت به رژیم اسد، ترکیه را مجبور

به بازنگری در مورد سیاست خود در خصوص سوریه کرد. علاوه بر این عدم موفقیت ترکیه در حمایت از مخالفان سوریه، یک تحول اساسی را در لیست اولویت‌های سیاست خارجی ترکیه ایجاد کرده است، این امر بیشتر ناشی از تفسیری بود که توسط نهادهای امنیتی ترکیه در مورد افزایش غیرمنتظره قدرت (PYD) و داعش در ایجاد چالش امنیتی بود. ترکیه یک سری محاسبات غلط را در رویکرد خود نسبت به سوریه انجام داد، زیرا معتقد بود که رژیم اسد در طی چند ماه در برابر مخالفت‌های اجتماعی و فشارهای بین‌المللی فرو خواهد پاشید. ترکیه تمایل متحدان سنتی اسد، یعنی روسیه، ایران و شبه نظامیان حزب الله لبنان برای مداخله به هر قیمتی را دست کم گرفته بود. مهمتر از همه ترکیه مجبور بود با بحران آوارگان سوری مقابله نماید که منجر به سرازیر شدن ۳.۵ میلیون غیرنظامی سوری به ترکیه بود.

روابط اقتصادی ترکیه و عراق و روند روبه گسترش آن علاوه بر ایران، برای کل منطقه می‌تواند حامل پیام‌ها و پیامدهای مختلفی باشد. نخستین هدف سیاسی و امنیتی کشور ترکیه نوعی همکاری با دولت عراق در زمینه‌های اقتصادی و سپس امنیتی و سیاسی است تا بتواند به تدریج بر دیگر کشورهای استقلال‌یافته از عثمانی مسلط شود. در مقابل توسعه مناسبات و حوزه نفوذ ترکیه در این منطقه هر نوع غفلت ژئوپلیتیکی ایران از این جغرافیای راهبردی می‌تواند با زیان‌های عمیقی برای دستگاه دیپلماسی ایران در منطقه غرب آسیا همراه باشد. مناسبات ترکیه و عراق در سال‌های اخیر وضعیت نسبتاً آرامی را پشت سر گذاشته است. شاید دلیل آن درگیری‌های داخلی عراق بود که مجال کمتری برای مناقشه با ترکیه باقی می‌گذاشت. از این رو اعتراضات چندانی به عملیات‌های ترکیه در شمال عراق، بمباران مقرهای پ.ک.ک در سنجار و نظایر آن صورت نگرفت. کاهش ترافیک دیپلماتیک در اقلیم و بحران هشت ماهه تشکیل حکومت در آن هم از علل تنش اندک در روابط دو کشور بود. حادثه مهم در این زمینه، ترور عثمان کوسه دیپلمات ترک در اربیل به همراه همکاران عراقی‌اش بود که ظاهراً توسط پ.ک.ک صورت گرفت.

ترکیه و ایران نگرانی‌های مشابهی در مورد مداخله آمریکا در عراق در سال ۲۰۰۳ داشتند که نوعی تفاهم بین تهران و آنکارا

ایجاد کرد. گرچه هر دو کشور نگران یک کشور مستقل کردی در شمال عراق بودند، ایران نگران استقرار بالقوه نیروهای نظامی ترکیه در عراق بود. مسعود بارزانی رئیس وقت اقلیم کردستان در عراق خواستار همه پرسی استقلال اقلیم کردستان در ۲۵ سپتامبر ۲۰۱۷ شد. این تصمیم واکنش‌های شدیدی را از سوی بغداد، تهران و آنکارا برانگیخت و سه کشور را مجبور کرد اختلافات خود را کنار بگذارند و برای جلوگیری از استقلال حکومت اقلیم کردستان موضع مشترک ایجاد کنند. هر دو کشور مرزها و فضاها را به روی دولت اقلیم کردستان بستند و تصمیم گرفتند از اقدامات دولت عراق برای محافظت از تمامیت ارضی و وحدت سیاسی آن حمایت کنند. سرانجام حکومت اقلیم کردستان مجبور به اعلام تعلیق نتایج همه پرسی شد. ترکیه روابط نزدیک با سنی‌های عراق برقرار کرد و مواضع خود را برای ایجاد یک رژیم واحد سنی و دولت فراگیر در بغداد روشن کرد با این حال این تلاش توسط ایران به عنوان مخالفت با دولت تحت سلطه شیعه تلقی شد. در واقع ترکیه نگران تلفیق سیاست فرقه‌ای و نفوذ روزافزون ایران در عراق بود. از نظر تهران فعالیت‌های نظامی ترکیه در عراق به ضرر حاکمیت دولت بغداد بود. با توجه به ادعاهای ملی‌گرایان ترکیه در مورد موصل و کرکوک، ایران بسیار نگران استقرار ارتش ترکیه در نزدیکی آن منطقه بود. در همین حال دولت عراق داوطلبانی را برای مبارزه با داعش بسیج کرد که در نهایت به حشدالشعبی (نیروهای بسیج مردمی) تبدیل شد و توسط رهبران مذهبی شیعه تبلیغ می‌شد. دولت عراق همچنین مشاوران نظامی ایرانی را برای آموزش و هدایت این گروه به کار گرفت. ترکیه این گروه را ابزاری تلقی نمود که ایران برای گسترش و تحکیم نفوذ خود در مناطق سنی نشین عراق به کار می‌برد و آن را یک گروه تروریستی خواند. دولت ایران نیز مشارکت در حشدالشعبی را در عملیات‌های آتی تشویق و حمایت کرد و ترکیه را به دلیل زیرپا گذاشتن وحدت و تمامیت ارضی عراق مقصر دانست. عده‌ای براین باورند ترکیه در چارچوب معاهده تاریخی لوزان ۱۹۲۳، خود را برای الحاق بخشی از سرزمین‌های جدا شده ترکیه که بنا به ادعای آنها در سال ۲۰۲۳ تاریخ اعتبار آن پایان می‌یابد آماده می‌کند. طبق ادعای دولتمردان ترکیه، آن‌ها حق خواهند داشت که برگزاری همه پرسی را بین اهالی مناطقی که

ترکیه آنجا را بخشی از خاک خود می‌داند، خواستار شوند. این مناطق شامل استان‌های حلب، ادلب و مناطق کردنشین شرق فرات در سوریه و سلیمانیه و استان‌های شمالی عراق همچون کرکوک، نینوا و بخش‌هایی از اقلیم کردستان همچون دهوک و اربیل می‌شود. تمامی تلاش‌های نظامی و سیاسی ترکیه هم‌اینک با هدف آمادگی برای مرحله بعدی یعنی گذشت صد سال از توافق نامه لوزان است تا اردوغان بتواند خواستار همه پرسی در بین ساکنان آن مناطق شود و آن مقدار از این مساحت جغرافیایی وسیع را که می‌تواند به ترکیه ضمیمه کند. بنابراین سیاست ترکیه تا سال ۲۰۲۳ تضعیف حاکمیت عراق و سوریه بر مناطق شمالی این دو کشور و تقویت حضور خود در این مناطق و ایجاد پایگاه مردمی برای ترکیه در آن مناطق از طریق ارائه خدمات عمومی است تا بدین وسیله نتیجه همه پرسی مدنظر به نفع پیوستن آن مناطق به ترکیه باشد.

نتیجه‌گیری

ایران و ترکیه قدیمی‌ترین رقابت در منطقه جنوب غرب آسیا را شکل داده‌اند. دو کشور از دوران عثمانی تا زمان فعلی در حوزه‌های مختلفی چون حوزه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی به رقابت با هم پرداخته‌اند. در گذشته هرچند که این رقابت‌ها به تنش جدی و دائمی بین دو کشور منجر نشده است اما با تحولات جدید در خاورمیانه این رقابت در مواقعی به تنش و حتی جنگ لفظی دو کشور نیز انجامیده است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که دو کشور ایران و ترکیه به دلایل سیاسی و ژئوپلیتیکی و همچنین دلایل فرهنگی و یا ایدئولوژیکی، درگیر رقابتی شدید بر سر نفوذ و قدرت بیشتر در منطقه شده‌اند. ترکیه به شدت نگران افزایش نفوذ ایران در خاورمیانه، به ویژه در سوریه و عراق و همچنین چشم انداز آینده ایران با سلاح هسته‌ای است. ترکیه و ایران علی‌رغم روابط طولانی مدت، بی‌اعتمادی متقابل عمیقی دارند که در حمایت آنها از گروه‌ها و شبه نظامیان مختلف در سوریه و عراق مشهود است. در حالی که تهران سیاست‌های ترکیه را در این مناطق به‌عنوان محصول جاه طلبی‌های نوع‌ثمانی برای گسترش حکومت ترکی- سنی در منطقه تفسیر می‌کند، آنکارا ادعا می‌کند ایران به دنبال احیای امپراتوری فارس است این بار با هلال شیعی، و این کار را در

سرزمین‌های قبلی عثمانی انجام می‌دهد. در این مقاله با اشاره به مابه‌ازای تاریخی رقابت و تعارض کنونی ایران و ترکیه، نشان داده شد که تنش‌های چندین سال گذشته میان دو کشور ناگهان به وجود نیامده‌اند و موضوع به جهت گیری‌های هویتی و امنیتی دو کشور در منطقه هلال حاصلخیز و اهداف ایدئولوژیک و ژئوپلیتیک آنها برمی‌گردد. از همین رو امروزه ایران و ترکیه در سوریه و عراق در دو جبهه مخالف قرار دارند، بدین مفهوم که آنکارا در همراهی با هم پیمانان عرب و غربی خود به دنبال سرنگونی بشار اسد، رئیس‌جمهور این کشور است و از سوی دیگر تهران و مسکو حامیان اصلی وی محسوب می‌شوند. این درحالی است که در عراق، ترکیه مدعی است یک مسئولیت تاریخی برای حفاظت از اقلیت‌های سنی و ترک این کشور در برابر نیروهای شیعی که با حمایت ایران برای مقابله با سلفی‌ها و نیروهای گریز از مرکز در منطقه فعال هستند، برخوردار است. از سوی دیگر ایران در کنار دولت عراق، مداخله ترکیه و حضور نظامی در این کشور را یک تهاجم و در راستای تضعیف دولت مرکزی عراق و توسعه طلبی ارضی در پرتو رویکرد نوع‌ثمانی گری می‌بیند. افزون بر آن، ترکیه همانند دوره عثمانی، مایل است به‌عنوان حامی سنی‌ها در منطقه همراهی کند، درحالی که برخی مدعی هستند ایران نیز در مسیر ایجاد هلال شیعی از تهران تا مدیترانه گام برمی‌دارد. در این میان اما نوع و ماهیت بازیگری ایران در عراق و سوریه به کل متفاوت از ترکیه است. در حالی که ایران هم در سوریه و هم در عراق به دنبال تقویت دولت مرکزی و جلوگیری از شکاف سیاسی است و منافع خود را در گرو حفظ تمامیت ارضی کشورهای منطقه ارزیابی می‌کند، ترکیه بازی خود را معطوف به حمایت از گروه‌هایی کرده است که اساساً در تقابل جدی با دولت مرکزی قرار دارند و گاهی با جابه‌جایی راهبردی، سقف دوستی‌ها و دشمنی‌ها را کوتاه کرده است. وضعیت خاص منطقه و مسائل موجود نشان می‌دهد که ایران و ترکیه نمی‌توانند نسبت به مسائل منطقه‌ای بی تفاوت باشند. به لحاظ منطقه‌ای، یک نوع وابستگی متقابل امنیتی میان کشورهای منطقه وجود دارد که روابط آنها را تحت تأثیر قرار می‌دهد و موجب اتحادها و همچنین تنش‌های آنها می‌شود. این وابستگی متقابل تحت تأثیر عوامل منطقه‌ای، قومی و تروریسم قرار دارد. این عامل

موجب قرار گرفتن مسئله امنیت منطقه‌ای در اولویت سیاست خارجی ایران و ترکیه شده است. روابط تاریخی و اختلافات تاریخی با عراق و سوریه موجب شده است تا ایران راهبرد حفظ رژیم‌های سوریه و عراق را اتخاذ کند تا از تکرار برخی تهدیدات تاریخی و دشمنی‌ها علیه کشور جلوگیری کند. همین عامل موجب شده است که ترکیه از ابتدای بحران‌های اخیرالوقوع، حذف رژیم سوریه و تضعیف دولت عراق را در دستور کار خود قرار دهد؛ پس از ریزنی مقامات سیاسی امنیتی روسیه و ایران با سران این کشور و وقوع کودتا علیه رجب طیب اردوغان و مسئله همه پرسی استقلال منطقه کردستان عراق، قدرت یابی بیش از پیش کرده‌های شمال سوریه و همچنین تضعیف داعش ناگزیر شد از سیاست‌های تهاجمی قبلی مبنی بر پیشبرد الگوی منطقه‌ای خود برای قدرت یابی بیش تر از رهگذر رخنه در دولت‌های مرکزی سوریه و عراق عقب نشینی نماید. عامل دیگر که منطقه گرای را در سیاست خارجی ایران و ترکیه ضروری کرده و موجب تقویت آن شده است، وجود قومیت‌ها و مذاهب مشترک با برخی کشورهای منطقه است. قومیت‌هایی چون کردها که سالها امنیت ملی کشورهای ایران، ترکیه، عراق و سوریه را به هم پیوند زده است، اکنون نیز در معادلات منطقه‌ای این کشورها تاثیرگذار است. تشیع برای جمهوری اسلامی ایران هم جنبه امنیتی دارد و هم در خصوص حوزه نفوذ و قدرت منطقه‌ای ایران مورد توجه قرار می‌گیرد. از این نظر در خصوص منطقه گرای دو کشور ایران و ترکیه باید گفت که در رابطه با بحران سوریه و عراق، دو کشور با توجه به ظرفیت‌ها و تهدیدات به وجود آمده، منطقه گرای خود را تقویت کرده‌اند. هرچند در سال‌های ابتدایی بحران سوریه و عراق، این دو کشور خط مشی متفاوتی را براساس راهبردهای استراتژیک خود در پیش گرفتند؛ اما در شرایط کنونی که خطر داعش به میزان قابل توجهی کاهش یافته و به ویژه کودتای ناموفقی در ترکیه رخ داد، دو کشور به اهمیت همکاری متقابل برای کسب نتیجه بهتر و مصونیت از تهدیدات و خطرات در تحولات منطقه پی برده و در نتیجه به هم نزدیک شده‌اند، هرچند راهبردهای کلان آنها همچنان دارای تفاوت‌های مبنایی است.

تشکر و قدردانی: موردی توسط نویسنده گزارش نشده است.

تاییدیه‌های اخلاقی، تعارض منافع: موردی توسط نویسنده گزارش نشده است.

سهم نویسندگان منابع مالی/ حمایت‌ها: موردی توسط نویسنده گزارش نشده است.

منابع

۱. اسداللهی، مسعود. (۱۳۹۷). چشمداشت ترکیه به شمال سوریه. موسسه فرهنگی و هنری خراسان.
۲. اسلامی، مسعود. (۱۳۹۷). عوامل ناکامی همه پرسی جدایی اقلیم کردستان عراق. فصلنامه ژئوپلیتیک، سال چهارم، شماره سوم، ص ۹۴-۶۳.
۳. احمدیان، علی اکبر. (۱۳۹۴). نظریه نفوذ: تبیین ماهیت انواع نفوذ و رابطه آنها با دستگاه چهار طیفی تهدید. فصلنامه آفاق، سال هشتم، شماره بیست و هشتم.
۴. اطهری، عنایتی، حسینی. (۱۳۹۳). بررسی تطبیقی قدرت نرم ایران و ترکیه در عراق و سوریه. دوفصلنامه علمی- پژوهشی اسلام و علوم اجتماعی، س ۶، ش ۱۱.
۵. اولج الاملی، محمد مهدی. (۱۳۹۹). تحلیل راهبردی سیاست منطقه‌ای دولت ترکیه در غرب آسیا و تاثیر آن بر سیاست منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران (۲۰۱۸-۲۰۱۱). رساله دکتری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات، تهران.
۶. جباری، علیرضا. (۱۳۹۷). ترکیه و تلاش برای کریدور انرژی شدن. خبرگزاری ایسنا.
۷. حافظ نیا، محمدرضا. (۱۳۸۵). اصول و مفاهیم ژئوپلیتیک، مشهد، انتشارات پاپلی.
۸. حافظ نیا، محمدرضا و ربیعی، حسین. (۲۰۱۳). مطالعات منطقه‌ای خلیج فارس. تهران: انتشارات سمت.
۹. حافظ نیا، محمدرضا و شمس دولت آبادی، سید محمودرضا. (۲۰۰۹). علایق ژئوپلیتیک و راهبرد ملی. مطالعه موردی: ایران نسبت به آسیای مرکزی، فصلنامه مطالعات دفاعی استراتژیک، شماره ۳۶، صص ۱۷۳-۲۱۸.
۱۰. نصری، قدیر. (۱۳۹۹). گزارش نشست افتتاحیه گروه مطالعات ترکیه پژوهشکده مطالعات استراتژیک خاورمیانه. مرکز مطالعات استراتژیک خاورمیانه.

۱۱. فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام، سال هفتم، شماره دوم، ص ۱۰۶-۸۱.
۱۲. خادم شیرازی، فاطمه. (۱۳۹۹). رویکرد ترکیه در عراق. مرکز بین‌المللی مطالعات صلح - IPSC
۱۳. دهشیار، حسین. (۱۳۹۶). بحران سیاسی و امنیت ملی ترکیه. فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام، سال هفتم، شماره دوم، ص ۱۴۰-۱۰۷.
۱۴. رشیدی، مصطفی. (۱۳۹۵). چشم انداز ژئوپلیتیکی ترکیه به عنوان بازیگری کوچک در بازی بزرگ خاورمیانه. انجمن ژئوپلیتیک ایران.
۱۵. روزنامه نیویورک تایمز. (۱۳۹۵). مداخله ترکیه در سوریه و عراق از ترس گسترش حوزه نفوذ ایران است، دیپلماسی ایرانی. سرخط خبر، کد: ۱۹۶۵۵۶۶
۱۶. فرهادی، فرزاد. (۱۳۹۵). مروری بر رفتارها و اهداف ترکیه در عراق و سوریه. خبرگزاری مهر.
۱۷. فلاح، رحمت اله. (۱۳۹۱). راهبرد ترکیه در عراق. فصلنامه مطالعات راهبردی جهان اسلام، سال دهم، شماره ۳۹.
۱۸. قنبرلو، عبدالله. (۱۳۸۹). اقتصاد سیاسی مداخله گرایی در سیاست خارجی آمریکا. تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۱۹. ولقی زاده، علی. (۱۳۹۰). راهبردهایی برای نقش آفرینی موفق ایران در رقابت با ترک‌ها در عراق. نشریه تحلیل هفته، موسسه مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران.
۲۰. واحدی، الیاس. (۱۳۹۸). سیاست ترکیه در قبال بحران سوریه پس از خروج آمریکا. موسسه مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران.
۲۱. عزتی، عزت‌الله. (۱۳۸۶). ژئوپلیتیک. تهران: سمت، چ هفتم.
۲۲. عباسی، مجید و محمدی، وحید. (۲۰۱۳). توضیح واقع بینانه جنگ قدرت بین‌المللی در سوریه و پیامدهای آن برای امنیت ملی ایران. نامه تحقیقاتی سیاست بین‌الملل ایران، جلد ۱، شماره ۲.
۲۳. موسوی، سید حافظ، برزگر، کیهان، قوام، سید عبدالعلی و ذاکریان، مهدی. (۲۰۱۶). تأثیر تحولات جهان عرب در سیاست‌های منطقه‌ای ایران که دارای تلاطم است. فصلنامه ژئوپلیتیک، دوره ۱۲، شماره ۱.
۲۴. محمودی کیا، محمد؛ فرهادی، عباس. (۱۳۹۸). بررسی مقایسه‌ای کنش سیاست خارجی ایران و ترکیه در قبال بحران سوریه براساس نظریه سازه‌نگاری. فصلنامه علمی مطالعات روابط بین‌الملل، دوره ۱۲، شماره ۴۷ - شماره پیاپی ۴۷، ص ۱۷۸-۱۵۱.
۲۵. نوری اصل، احد. (۱۳۹۸). نقش‌آفرینی اقتصادی ترکیه در عراق؛ فرصت‌ها و چالش‌ها، اهداف و پیامدها. اندیشکده راهبردی تبیین.
26. Aras, Bulent & Rabia Karakaya Polat. (2008). From Conflict to Cooperation: De Securitized of turkeys Relation With Syria and Iran. At: <http://sdi.sagepub.com/content/39/5/495.short>
27. Arkan, Maeda. (2016). The Clash of Ideologies in Turkey: From Ottomanism to Modern Islamism, 228.
28. BBC. (2012). Istanbul Summit Tries to Increase Pressure on Syria. available at: <http://www.bbc.co.uk/news/world-middle-east-17576134>
29. Cagaptay, Soner. (2011). Turkish –Iranian Rivalry Redux. [www.washingtoninstitute.org/Policy-Analysis/View/ Turkish –Iranian- Rivalry –Redux](http://www.washingtoninstitute.org/Policy-Analysis/View/Turkish-Iranian-Rivalry-Redux)
30. Husari, Ruba. (2013). Syria and the Changing Middle East Energy Map. [www.Carnegieeurope. Com/](http://www.Carnegieeurope.Com/) January 02.
31. New York Times. (2016). Turkey Intervenes in Syria and Iraq for Fear of Expanding Iran's sphere of Influence, Iranian Diplomacy. headline, code:1965566.